

حسب حال اندیشه سازان کشور

اندیشه سازان کشور، یا به تعبیری شخصیت های حقیقی و حقوقی بی که مسئولیت باروری اندیشه، اعتدالی سطح آگاهی و رشد عقلانیت در کشور را بر عهده دارند، امسال برای اولین بار همزمان و همراه با هم موجودیت و توانمندیها و کمبودهای خویش را در معرض نگاه و داوری عموم قرار دادند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی اصلی پاسداری از فرهنگ ملی و مسئول رشد آگاهی و بینش عمومی، امسال نمایشگاه بین المللی کتاب و چهارمین جشنواره مطبوعات را همزمان برگزار کرد. یک سالن بزرگ به مطبوعات و سالن های متعددی به ناشران داخلی و خارجی و همچنین فراهم آوردن گان و سائل جنبی نشر اختصاص یافته بود.

مدیریت و ساماندهی این همایش در مقایسه با سالهای گذشته نکات منفی کمتری داشت، اما در مجموع، و با وجود حضور خیل عظیمی از مردم در این همایش فرهنگی، دارندگان چشم های تیزبین می توانستند ضعف ها و کمبودهای تأسف برانگیزی را که بر عرصه مطبوعات و صنعت - حرفه نشر کشور حاکم است مشاهده کنند.

در گزارش کوتاهی که از این رویداد فرهنگی تهیه کرده ایم برخی از این ضعف ها و کمبودها را بر شمرده ایم.

نخست به سالن مطبوعات می رویم:

مساحت ۱۲ متری غرفه ها در سالهای گذشته امسال تبدیل به ۹ متر تقلیل یافته بود و بر خلاف گذشته که استفاده از غرفه ها رایگان بود، امسال برای هر غرفه ۳۰ هزار تومان اجاره دریافت شد.

روزنامه هایی که بیشترین سهم را از بازارهای فرهنگی دریافت می کنند در مقایسه با سالهای گذشته حضور کم رنگی داشتند و بعضاً اصلاً حضور نداشتند! در نقطه مقابل مطبوعات ادواری (هفته نامه ها، دو هفته نامه ها، ماهنامه ها و فصلنامه ها) بیشترین

فضای سالن را اشغال کرده و بیشترین توجه بازدیدکنندگان را هم جلب کرده بودند. در واقع این نشریات حرفه ای بخش خصوصی بودند که بیشترین سهم را در ایجاد شور و نشاط برای جشنواره داشتند. جز چند حادته که به گفتگوست این همایش فرهنگی لطمه زد (و از جمله حمله به حرفه ماهنامه ایران فردا) حادثه دیگری که سبب گله گذاری جدی شود اتفاق نیفتاد. حادثه قبیل ذکر دیگر به مراسم پایانی جشنواره و نمایشگاه مربوط می شد. قرار بود این مراسم با حضور آقای ناطق نوری رئیس مجلس برگزار شود. شب قبل، معاونان حفاظت به بدون حضور متصدیان حرفه ها مبادرت به پیاده و بطردی کرده بودند که تا این مرحله جای ابراد و اشکال نیست. منتهی در هر غرفه که کشوری نیز یا فایلی بسته بود، مبدلوت به شکستن قفل ها کردند. حرفه و گزارش آتیر از این قفل شکنی بی سبب نقد و حساساتی متحمل شد!

البته، مانند سالهای گذشته، جز برندگان، بقیه شرکت کنندگان در بخش مسابقه جشنواره ناراضی بودند و به شیوه گزینش بهترین ها اعتراض داشتند.

«گزارش» هم اعتراض داشت، اما نه به این دلیل که برنده نشده است. «گزارش» در هیچ یک از جشنواره ها در هیچ رشته ای شرکت نداشت که متوقع برنده شدن باشد و یا بر دآوری داوران تحقیر بطلانی بکشد. این اعتراض «گزارش» بخشی از یک سلسله اعتراضها نسبت به وضع عمومی رسانه های مکتوب، میزان و نحوه دخالت دستگاههای اجرائی در امور مربوط به مطبوعات، نقیصه های ناشده مطبوعات، سلیقه گرایی در دستگاههای موقلی امور مطبوعات و... است. این اعتراض ها و ایرادگیری ها خاص «گزارش» نیست، بلکه همه نشریات و قلمزنانی که معتقدند مطبوعات ایران باید بالند، پیشرو و در خدمت منافع کشور باشند چنین نقطه نظرهایی دارند.

گفتگو با آقای کیهان ناچیز

آگاهی که در همین جشنواره منتشر شد حاکی است که هم اکنون ۱۷۳ هفته نامه، ۱۸۸ فصلنامه، ۲۳۷ ماهنامه، ۷ سالیانه، ۲۰ دو هفته نامه، ۲۸ دو ماهنامه، ۲۹ دو فصلنامه، ۳۹ روزنامه و ۴ نشریه با انتشار دو شماره دو هفته ای کشور منتشر می شود. این آمار همچنین حاکی است ۲۸۷ نشریه خصوصی، ۲۴۰ نشریه تخصصی، ۲۸۸ نشریه غیر تخصصی، ۲۸ نشریه بین المللی، ۲۲۱ نشریه دولتی و ۱۰۰ نشریه متعلق به سازمانهای غیر دولتی (نهادهای انتشار می یابد.

بدین قرار از ۷۷۵ نشریه ای که در کشور منتشر می شود فقط ۲۸۷ فقره آنها متعلق به بخش خصوصی است و ۲۸۸ نشریه باقیمانده بوسیله دولتی ها (سازمانهای دولتی، نهادهای ارگانی، دانشگاهها و...) انتشار می یابد.

نگاه در مورد توجهی که فقط بطور گذرا به آن اندر می کنیم این که همین نشریات بخش خصوصی هم که در کیفیت نسبی قوی دارند غالباً به دلیل رقابت نابرابر نشریات دولتی با آنها در زمینه اندک کمکیهای دولتی (مطبوعات دولتی و...) لگدنگان راه می پیمایند و دور نیست که تعدادی از آنها به همین زودی با تعطیل شوند.

اگر نسبت توان مطبوعات دولتی با غیر دولتی را از دیدگاهی دیگر مورد ارزیابی قرار دهیم به نتایج طبعی گندیش می رسیم. این مقایسه، نتجشی بین امکانات موقلی نشریات دولتی یا وابسته به نهادهای سازمانهای دولتی با نشریات بخش خصوصی است. بیشترین بودجه، بهترین تجهیزات و صدورترین ماشین آلات، معروفترین، لیترگرافی، چاپ و صحافی، برخورداری از کاغذ و دیگر ملزومات چاپی ارزان استفاده از ساختمانهای بی هزینه و... بخشی از امکاناتی است که در اختیار گروه نشریات دولتی یا وابسته به دولت قرار دارد، اما اکثر مطبوعات

خصوصی از هیچ یک از این امکانات بهره‌مند نیستند، سهل است، با هزار مشکل مرئی و نامرئی نیز دست به گریبند. اثرات این رقابت نابرابر بین مطبوعاتی که مبلغ عملکرد دولت هستند و مطبوعاتی که باید مدافع حقوق عمومی باشند چه بوده و چه خواهد بود، مطلبی است که کارشناسان مربوطه (البته کارشناسان بی طرف!) باید آن را ارزیابی کنند.

بهر حال وجود ۷۲۵ نشریه خبر از رشد کمی مطبوعات در کشور می‌دهد، اما اگر در محتویات این

نشریات دقیق شویم بی‌هیچ تردید اذعان خواهیم کرد سرعت رشد کیفیت مطالب مطبوعات نسبت به رشد کمی آنها در مواردی یک به صد بوده است! این نکته‌ای است که نه فقط اهل فن به آن اذعان دارند، بلکه مخاطبان مطبوعات نیز از آن رنج می‌برند.

ما یک نظر خواهی محلی (در محل جشنواره) از قشر انتخاب شده‌ای از مخاطبان مطبوعات (شامل آموزگاران، دبیران، اساتید دانشگاه، دانشجویان، مدیران و دانش‌پسوزهان) انجام دادیم. اکثریت (این گروه از لحاظ فقر محتوای مطبوعات شکایت داشتند) می‌توانیم مدعی شویم تحقیقی که آمارگران مؤسسه

تحقیقات رسانه‌ها و مؤسسات مشابه انجام داده‌اند نیز به نتیجه‌ای مشابه نتیجه‌گیری ما رسیده است.

بررسی گفتگوهای پر شور و حرارت خوانندگان فهیم و علاقمند با مسئولان غرفه‌های نشریات جدی‌تر و با محتوایتر نشان می‌دهد بین میزان توقع این گروه از مخاطبان مطبوعات، با آنچه مطبوعات عرضه می‌کنند چه فاصله‌ای وجود دارد! از جمع‌بندی نظریات این گروه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که حتی مطبوعات حرفه‌ای و خصوصی در روند کنونی بیش از آنکه به ارتقای پیش و افزایش سطح آگاهی مردم کمک کنند، مروج آسان‌بندی، و در مواردی ابتذال هستند.

از دحام جمعیت در مقابل محله‌های سینمایی- ورزشی- حوادثی و یا نشریاتی که معجونی از مطالب سینمایی- ورزشی و حوادثی را مطابق ذوق و سلیقه

عامه ارائه می‌دهند صحت داوری این گروه را به اثبات می‌رساند.

همین‌جا بلافاصله باید بپرسیم در میان این گروه از نشریات، گردانندگان تعدادی از آنها به اجلاس چنین روشهایی را برای انتشار نشریات خود برگزیده‌اند. زیرا گرانی ملزومات چاپ و نبود پشتوانه مالی و موانع متعدد دیگری انتشار یک نشریه وزین را گه طعماً مستلزم کار، زحمت و صرف هزینه بیشتری (از بنایست پرداخت دستمزد روزنامه‌نگاران باتجربه و صاحب

اشتیاق نسل جوان

یک گروه عمده از مراجعین به غرفه‌های نشریات حرفه‌ای و جدی را فارغ‌التحصیلان و دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری تشکیل می‌دهند. اگر مسئولان مسئولین غرفه‌ای به حضور این افراد بها می‌دادند و پرسشهایشان را پاسخ می‌گفتند خود را دچار درس‌ر مفیدی می‌کردند، زیرا پرسش‌ها و کنجکاویهای این جوانان علاقمند و جستجوگر پایان‌ناپذیر بود!

از خلال همین گفتگوها می‌شد واقعت تلخی را نیز استخراج کرد؛ این واقعت که از یک سو جامعه مطبوعات ما از کمبود نیروی انسانی علاقمند و کارداران در مضیقه است و رنج می‌کشد و از سوی دیگر صاحبان استعدادهای زیادی وجود دارند که به دلیل محروم ماندن از میدان مناسب برای بروز خلاقیت‌های ذاتی خود، تا مرز دلمردگی و سرخوردگی پیش رفته‌اند.

مسئولان غرفه «گزارش» حضور عمده زیادی از این فارغ‌التحصیلان و دانشجویان را شاهد، و حرف‌ها و درددل‌هایشان را شنیدیم و کساری نمی‌توانستند کرد جز همدردی با این افراد!

کسانی بودند که با توصیه‌های شفاهی و کتبی از اساتید خود برای کارورزی به «گزارش» معرفی شده

بودند. ولی مگر «گزارش» و چند نشریه دیگر که مسئولین آنها نیز تربیت نیروی انسانی برای رسانه‌های کشور را جزو لاینفک وظایف حرفه‌ای خویش می‌دانند، قادر به جذب چند نفر از خیل عظیم فارغ‌التحصیلان و دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری و ارائه آموزشهای واقعی عملی به آنها هستند؟

دیدن نشریه روزانه‌ای که بوسیله دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی در مدت برگزاری نمایشگاه منتشر می‌شد، اندوه اهل فن را از این بابت که در نسل جوان چه استعداد‌های بالقوه‌ای وجود دارد که می‌تواند کمبود نیروی انسانی مطبوعات را جبران کند، اما این استعدادها مجال بالندگی نمی‌یابند، عمیق‌تر می‌کرد.

راستی... چه مدت زمان دیگر باید بگذرد تا مدیران و برخی اساتید رشته روزنامه‌نگاری در



صلاحیت) است همچون عبور از هفت خان رستم دشوار کرده است. در نقطه مقابل کسانی هم هستند که از انتشار نشریه هدفی ندارند جز کسب حداکثر سود. اگر شغل پر درآمدتری به این گروه پیشنهاد شود، بدون اندکی تردید و لحظه‌ای درنگ چابیدن جریده را رها می‌کنند!

سانسور و خودسانسوری از دیگر مباحث داغ متقدان عملکرد مطبوعات در طول مدت برگزاری جشنواره بود. در مقابل عده‌ای که معتقد بودند چند نشریه‌ای که بدون ملاحظه و واژه عملکرد شخصیت‌ها و مدیران و جریان‌ها ناسالم را نقد می‌کنند سوابق‌های اطمینان هستند، عده دیگری اظهار نظر می‌کردند ملاحظه‌کاری بسیاری از مطبوعات بیشتر معلول روحیه محافظه‌کاری و عافیت‌طلبی گردانندگان آنهاست!

دانشگاهها، متولیان وزارت ارشاد و دست درکاران و صاحبان اختیار مطبوعات برخوردار از پشتوانه‌های مادی و غیرمادی عظیم، این واقعیت را درک کنند و پذیرا شوند که آموزش روزنامه‌نگاری بیش از آنکه متکی به تئوری باشد، مستلزم آموزشهای عملی، آن هم در محیط مطبوعات حرفه‌ای و زیر نظر روزنامه‌نگاران با سابقه، صاحب تجربه و صلاحیت است؟

تماشاچی زیاد، کتابخوان کم

یکی از فرهیختگان که مؤلف آثار متعددی هم هست در یکی از سالنهای

نمایشگاه امسال کتاب با دست اشاره‌ای به انبوه جمعیت حاضر در سالن کرد و به گزارشگر ما گفت: هر کس نداند اوضاع از چه قرار است، با دیدن این جمعیت انبوه گمان می‌کند ملت ایران جزو کتابخوان‌ترین ملت‌ها است و ناشران و نویسندگان و اهل تحقیق ایران، از مرفه‌ترین قشرهای این کشور هستند!

هجوم جمعیت به جشنواره و نمایشگاه بین‌المللی کتاب امسال به راستی بی‌سابقه و حیرت‌برانگیز بود. چندانکه برگزارکنندگان نمایشگاه و جشنواره مجبور شدند نه تنها روزی یک ساعت بر ساعات مفتوح بودن سالن‌ها بیفزایند، بلکه مدت برگزاری نمایشگاه و جشنواره را از سیزدهم اردیبهشت تا هفدهم همین برج تمدید کنند.

حضور مشتاقانه مردم و تمدید زمان نمایشگاه و جشنواره در مقایسه با تیراژ کتاب و مطبوعات در کشورمان تداعی‌کننده این ضرب‌المثل است که آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی، زیرا هنوز هم ایرانیها کمتر از بسیاری ملت‌هایی که فرهنگی نازل و درآمد سرانه‌ای پائین‌تر دارند روزنامه و مجله می‌خرند و کتاب می‌خوانند.

هنوز متوسط تیراژ کتاب در کشور ما ۳۰۰۰ نسخه است و موفق‌ترین روزنامه رنگی کشور که از رانت‌های سیاسی و اقتصادی فراوانی هم بهره می‌برد نتوانسته است تیراژ خود را به مرز ۳۶۰ هزار نسخه برساند. تیراژهای ۳-۴-۵-۱۰ و نهایتاً ۲۰ هزار نسخه‌ای هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها و نیز تیراژ ۲۰-۳۰-۴۰-۵۰ یا ۱۰۰ هزار نسخه‌ای روزنامه‌های کشور آمارهای نومیذکننده‌ای هستند.

در مورد وضعیت جشنواره مطبوعات و برخی از عمده‌ترین دلایل عدم بالندگی مطبوعات کشور در

بزرگسال با توجه به قیمت کتابهای دلخواهشان تنها تماشاگر جلد‌های رنگارنگ کتابهایی بودند که به صورتهای مختلف درون قفسه‌ها چیده شده بود.

ما در شماره ۷۰ همین مجله (آذرماه ۱۳۷۵) مشکلات تدوین و نشر کتاب و کتابخوانی را مورد بررسی قرار داده بودیم لذا از تکرار عللی که موجب وضع حاضر است خودداری می‌کنیم و فقط این نکته را مورد توجه قرار می‌دهیم که بدانیم آیا از مشکلات ناشران و گله و شکایات آنان و مردم کاسته شده است یا خیر؟ با کمال تأسف باید گفت که مصاحبه با ناشران و بازدیدکنندگان از نمایشگاه این نکته را نشان

داد که نه تنها از تعداد این مشکلات کاسته نشده بلکه در مواردی بر این مشکلات موارد جدیدی هم افزوده شده است.

نمایشگاه کتاب امسال از لحاظ کیفی تفاوت چندانی با سالهای قبل نداشت. اگر در سالهای اولیه برگزاری نمایشگاه می‌شد کتابی را با قیمت نازل خرید امسال ظاهراً اثری از کتابهایی با قیمت نازل نبود.

وضعیت نشر کتاب هم که کماکان همان حالت سابق را دارد. گزارشگران ما مبادرت به آمارگیری از ۲۰۳ غرفه ناشران داخلی کردند. این آمارگیری نشان داد ۲۰۳ ناشر مزبور طی سال گذشته فقط ۲۱۴۴ عنوان کتاب جدید چاپ کرده‌اند در حالی که تعداد کتب تجدید چاپی همین ناشران ۴۰۵۹ عنوان کتاب است. ناشران اکنون ترجیح می‌دهند برای نپرداختن دستمزد ناچیز مؤلف و مترجم و محقق و هزینه‌گراف فیلم و زینگ، کتابهای پرفروش خود را تجدید چاپ کنند، زیرا تجدید چاپ یک کتاب اولاً در دسر دوندگی برای دریافت مجوز از وزارت ارشاد را کاهش می‌دهد و ثانیاً ناشر را از پرداخت هزینه تهیه فیلم و زینگ معاف می‌کند.

همین بررسی بلاواسطه و مستقیم از طرف همکاران ماهنامه گزارش نشان داد که تیراژ کتاب در ایران تغییری نکرده است. متوسط تیراژ کتابهای نوجوانان ۵۰۰۰ و کتابهای مورد علاقه بزرگسالان ۳۰۰۰ نسخه است که در جامعه‌های مانند جامعه ما با توجه به تعداد جوانان و دانشجویان و قشر تحصیلکرده جای تأسف دارد. این بررسی همچنین نشان داد که در نمایشگاه کتابهایی که فروش بیشتری داشتند آن گروه از کتب درسی یا کمک درسی بودند که خرید آنها از سوی دبیران و اساتید توصیه شده بود.

فرازهای گذشته مطالبی را ذکر کردیم؛ اینک نگاهی گذرا می‌افکنیم بر سالنهای نمایشگاه بین‌المللی امسال کتاب در تهران و بررسی دلایل پائین بودن تیراژ کتاب و عدم رغبت ایرانی‌ها به کتابخوانی.

به عنوان مقدمه باید یادآور شویم صنعت نشر هم مانند مطبوعات در سالهای اخیر رشد کمی زیادی داشته است، به نحوی که تعداد مؤسسات انتشاراتی کشور آدم را دچار سرگیجه می‌کند. آدم وقتی این همه ناشر را که بسیاری از آنها جدیداً وارد عرصه صنعت نشر شده‌اند می‌بیند ناگزیر از خود می‌پرسد اگر کار نشر بی‌روتق است پس چرا این همه افراد و مؤسسات قدم به این عرصه می‌گذارند؟!

پاسخ به این پرسش را باید در امری نظیر سهمیه کاغذ، فیلم و زینگ دولتی، تفاوت نرخ دولتی این ملزومات یا نرخ بازار آزاد، روابط آنچنانی و... و امور ناهنجار دیگری جستجو کرد. اما بهرحال رشد کمی صنعت نشر هیچ تأثیری در افزایش تیراژ کتاب و افزایش عده کتابخوانها نداشته است.

نگاهی به آمار و ارقام

امسال ۸۰۰ ناشر داخلی با ۳۵ هزار عنوان کتاب و ۳۶۰ ناشر خارجی در نمایشگاه حضور یافته بودند. روزنامه‌ها با تیرهای درشت خبر از دیدار عده زیادی از مردم از نمایشگاه کتاب امسال می‌دادند. روزنامه سلام ۱۳ اردیبهشت با تیرتی درشت نوشت: ۱۱۲ هزار نفر در ششمین روز از نمایشگاه کتاب دیدن کردند. بدون آنکه اشاره کند که عده زیادی از این مراجعین را دانش‌آموزان دختر و پسری تشکیل می‌دادند که با کارتهای دعوت ویژه‌ای که داشتند می‌توانستند کتابهای ویژه کودک و نوجوان را با تخفیف بخرند، در حالی که اکثریت بازدیدکنندگان